خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

از تکدی گری سر چهارراه ها تا ۵ بار حضور در کمپ ترک اعتیاد

فرار از اعتیاد؛ چشم انتظار خانواده

صدیقی

می گوید برای تهیه هزینه موادش دست به هر کاری می زد؛ از تکدی گری و جمع کردن ضایعات گرفته تا غوطه ور شدن در جوی فاضلاب. از نگاه های تحقیرآمیز رهگذران که خودش عاملش بود خسته و رد اعتیاد در چهره اش نمایان است.

دندانی در دهانش نمانده و کمرش خمیده شده است. نایی ندارد و مقصر این همه اتفاق تلخ را به بیراهه رفتن خودش می داند. اعتیاد او را به زانو درآورد و خانواده اش را از وی گرفت. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با یک متکدی که در کمپ برای ترک اعتیاد حضور دارد، می خوانید.

چندمین بار است که دستگیر می شوی و به کمپ می آیی؟

به خاطر تکدی گری و اعتیاد یک ماه است که مرا به این جا آورده اند. این پنجمین بار است که مرا به کمپ می آورند.

هر بار چقدر طول می کشید تا دوباره دستگیر شوی؟

از ۲ ماه تا یک سال طول می کشید.

آخرین بار چطور دستگیر شدی؟

آخرین بار زمانی که آزاد شدم به روستای مان برگشتم. چند ماهی در خانه برادرم ماندم اما آن جا زیاد نتوانستم دوام بیاورم. مجبور شدم به شهر برگردم و کارم را شروع کنم. روزی سر چهارراه داشتم گدایی می کردم که دوباره دستگیر شدم.

از راه تکدی گری روزی چقدر پول به دست می‌آوردی؟

بستگی به روزش داشت! از ۱۰هزار تومان گرفته تا ۵۰هزار تومان درآمد داشتم.

پول ها را چه کار می کردی؟

همه را خرج مواد و مقدار کمی را هم خرج خورد و خوراکم می کردم.

چرا دست از گدایی برنمی داشتی و سراغ کار دیگری نمی‌رفتی؟

چاره ای نداشتم. اگر نان گدایی را خورده باشی دیگر راحت نمی توانی از آن دل بکنی. خیلی از آدم هایی که گدایی می کردند خانه و اموال داشتند اما به گرفتن پول مفت عادت کرده بودند. به خاطر ضعف و البته اعتیاد شدیدی که داشتم نمی توانستم دنبال کار دیگری بروم. بیشتر گداها به خاطر پول خوبی که از این راه به دست می آورند حاضر نیستند دست از این کار بکشند و من جدای از آن ها نیستم.

به چه نوع موادی اعتیاد داشتی و کجا ساکن می شدی؟

همه جور موادی مصرف می کردم؛ از تریاک گرفته تا شیشه و کریستال. قبل از این که به کمپ بیایم در خرابه ها و داخل جوی آب و زیر پل ها می خوابیدم. فرشم زمین بود و سقف ام آسمان.

قبل از این که به گدایی روی بیاوری چه کار می کردی؟

قبل از گدایی و جمع کردن ضایعات در کار فیلم برداری از مجالس بودم.

بدبختی من از روزی شروع شد که در مسیر روستای مان با یک خودرو تصادف کردم و دست و پایم شکست و دیگر نتوانستم به کارم ادامه دهم. مدتی با کمک اطرافیانم زندگی ام را اداره کردم و همین اتفاق باعث شد کم کم پول مفت زیر زبانم مزه کند و به فکر گدایی بیفتم.

از طرفی پدرم معتاد و قاچاقچی مواد بود. در ۱۲ سالگی مادرم مرا با مواد آشنا و معتاد کرد چون هر بار که مریض می شدم به جای رفتن به مطب دکتر مواد را داخل چای حل می کرد و به خورد من می داد و با این کار معتاد شدم. تا ۱۵ سالگی مادرم ساقی من بود و از آن به بعد جیره موادم را قطع کرد و از من خواست که از مصرف مواد دست بکشم اما دیگر دیر شده بود.

چطور مواد خودت را تامین می کردی؟

بعد از این که مادرم جیره موادم را قطع کرد تمام بدنم درد می کرد و تیر می کشید و نتوانستم طاقت بیاورم. چون پدرم قاچاقچی بود و مواد زیادی در خانه نگه می داشت به فکر افتادم از مواد او بدزدم. روزی پنهانی پدرم را تعقیب کردم تا جای مواد را پیدا کنم. همین طور هم شد و جای مواد را پیدا کردم. بعد از آن مقداری از مواد برداشتم و به صورت پنهانی و به دور از چشم مادرم آن را مصرف کردم. البته پیش خانواده ام این جور نشان می دادم که در حال ترک اعتیادم هستم.

متاهل هستی و بچه هم داری؟

متاهلم و دو فرزند دارم. البته بعد از این که اعتیادم شدید شد و کارتن خواب شدم همسرم از من طلاق گرفت و با بچه ها دنبال زندگی خودشان رفتند.

الان سال هاست بچه هایم را ندیده ام. در این مدت مدام در ویرانه ها و زیر پل ها با خفت و خواری زندگی می کردم.

آیا تاکنون تصمیم گرفته‌ای که به خاطر فرزندانت از تباهی زندگی‌ات دست برداری؟

بارها با خودم خلوت می کردم و حرف می زدم که تا کی باید به این بیراهه رفتن ادامه دهم. زمانی که از این وضعیت خسته و درمانده می شدم مدام چشم ام به جاده بود تا روزی بچه هایم که الان بزرگ شده اند به دیدنم بیایند و به حال خودم گریه می کردم. آرزو داشتم برای یک بار هم که شده بتوانم یک دل سیر دو فرزندم را مثل زمان کودکی شان در آغوش بگیرم و از من فراری نباشند اما اعتیادم مانع بزرگی بود.

بعد از مدت ها آوارگی آن قدر با نگاه های برخی مردم تحقیر شدم تا این که تصمیم گرفتم بعد از ترک اعتیاد سراغ یک کار آبرومندانه مثل کارگری بروم اما دست به گدایی نزنم تا شاید بتوانم باقی مانده عمرم را با پاکی و به دور از تحقیر و کنایه اطرافیانم سپری کنم.

پل هایی که شکست

صدیقی- عبرت نگرفت و مدام پا در رکاب دوستان ناخلف گذاشت و کشتی زندگی اش را به جای ساحل به صخره کوبید. می گوید کاش قدر فرصت هایم را می دانستم و به جای تلف کردن وقت با دوستان نابابم، کمی به فکر زندگی و آینده خودم بودم تا این گونه شکستی دیگر در کارنامه زندگی ام ثبت نمی شد و خانواده ام را درگیر این همه مشقت نمی کردم. مرد پشیمان از کارهای گذشته خود می گوید: فرزند آخر خانواده بودم و پدرم صاحب تالار بود و مدام بعد از مدرسه به تالار می رفتم تا به او کمک کنم.

علاقه زیادی به درس و مدرسه نداشتم و به محض این که دیپلم گرفتم و به قول پدرم شاهکار کردم، تحصیل را رها کردم. به واسطه کار در تالار دوستان زیادی پیدا کردم و مدام با آن ها دور دور می کردم. بعد از مدتی با کمک پدرم یک خانه برای خودم خریدم و زندگی مستقل را در پیش گرفتم. خانه ام پاتوق دوستان نابابم شده بود و همین دورهمی ها باعث شد با مواد آشنا شوم.

اوایل تفننی بود ولی ناگهان خودم را در منجلاب اعتیاد دیدم. پدرم وقتی دید دل به کار نمی بندم و همیشه با دوستانم مشغول خوشگذرانی هستم مرا تحت فشار قرار داد و از من خواست هر طور شده ازدواج کنم تا شاید اصلاح شوم. شبی در تالار با یک دختر آشنا شدم و مدتی از طریق تلفن و فضای مجازی با هم در ارتباط بودیم تا این که با هم ازدواج کردیم.

بعد از گذشت مدتی زندگی مشترک مان را زیر یک سقف آغاز کردیم. اوایل همه چیز خوب پیش می رفت و همسرم زنی قانع و اهل زندگی بود اما من که دیگر مثل سابق نمی توانستم با دوستانم شب نشینی داشته باشم ناراحت بودم و از طرفی مصرف زیاد مواد هم به عصبانیت ام اضافه می کرد تا جایی که با کوچک ترین اعتراض همسرم کنترلم را از دست می دادم و او را کتک می زدم.

همسرم به خاطر این رفتار زننده ام هر بار خانه را ترک می کرد و به خانه پدرش می رفت اما با عذرخواهی و پا در میانی پدرم دوباره به خانه برمی گشت. هر موقع که مواد مصرف می کردم همسرم اعتراض می کرد و دوباره روز از نو و روزی از نو، او را به باد مشت و لگد می گرفتم و بدنش را مثل مواد سیاه و کبود می کردم. این اتفاق ادامه پیدا کرد تا این که همسرم دیگر حاضر نشد با من زندگی کند و بعد از گرفتن مهریه اش از من جدا شد. دوباره دوران مجردی ام شروع شد و با دوستانم مثل سابق هر شب دورهمی داشتیم.

با ادامه این کار پدرم دوباره آستین بالا زد و دختر یکی از افراد فامیل را برای من خواستگاری کرد. ازدواج مجدد من دوباره پا گرفت اما پدرم این بار با من اتمام حجت کرد که اگر دست از رفیق بازی و کارهای ناشایست برندارم دیگر از حمایت من دست خواهد کشید و خودم باید جور همه مشکلاتم را بکشم. از سر ناچاری به پدرم قول دادم سر به راه شوم اما هر بار که می خواستم پاک و به دور از مواد زندگی کنم باز دوستان شیشه ای ام می آمدند و مثل شیطان در جلدم فرو می رفتند و مرا از راه راست خارج می کردند.

چند ماه از نامزدی مان گذشته بود که کم کم صدای همسر دومم هم درآمد و چند بار کارمان به جای باریک کشید اما مثل سابق با پا درمیانی بزرگ ترها وضعیت به حالت عادی برگشت.

این ماجرا ادامه پیدا کرد تا این که شبی به پیشنهاد یکی از دوستانم در خانه ام پارتی برگزار کردم. نیمه های شب به خاطر زیاده روی در مصرف مواد از خود بی خود شده بودیم و ایجاد سر و صدای زیاد باعث ناراحتی همسایه ها شد و آن ها هم برای خلاصی از این وضعیت پلیس را خبر کردند و طولی نکشید که دستبند زده سر از بازداشتگاه در آوردیم. به ناچار خانواده ام را در جریان گذاشتم. پدرم با ناسزا و با قید وثیقه مرا از بازداشتگاه بیرون آورد. روز بعد متوجه شدم نامزدم درخواست طلاق داده است و به هیچ قیمتی حاضر نیست کوتاه بیاید. از آن طرف هم پدرم حاضر نشد برایم پا پیش بگذارد و من ماندم و کلی حرف و حدیث. الان هم به دادگاه خانواده آمده ام تا شاید با کمک مشاوران بتوانم پل های خراب شده پشت سرم را ترمیم و از متلاشی شدن زندگی مجددم جلوگیری کنم.

حادثه در شهر

نقشه سارق برای سرقت از منزل خواهرش

صدیقی- سارقی که قصد ورود به یک منزل را داشت بعد از گیر افتادن توسط همسایه، آشنا از کار درآمد. سارق شیشه ای در یکی از شهرک های غربی بجنورد درحین ورود به یک منزل توسط یکی از همسایه ها غافلگیر شد و به دام افتاد. بعد از دستگیری سارق معلوم شد که او برادر همسر صاحب ملک است. همسایه ای که مدعی بود سارق را در یک درگیری مغلوب کرده است در این باره گفت: روزی یکی از همسایه ها که قصد رفتن به مسافرت را داشت از من خواست در قبال گرفتن مبلغی نگهبانی از خانه اش را انجام دهم.

بعد از ترک اهل خانه، شب هنگام که از پنجره اتاقم داخل کوچه و خانه همسایه را رصد می کردم ناگهان فردی مشکوک نظرم را جلب کرد. در تاریکی شب که چهره فرد غریبه معلوم نبود او بعد از دید زدن اطراف قصد داشت از روی دیوار وارد حیاط همسایه شود. سریع خودم را به شخص غریبه رساندم و قبل از وارد شدن به داخل حیاط همسایه او را از روی دیوار پایین کشیدم. سارق که از حضورم غافلگیر شده بود برای فرار از دستم با من درگیر شد که در این بین با زد و خورد و ایجاد سر و صدا همسایه ها متوجه ماجرا شدند و با کمک هم فرد غریبه را دستگیر کردیم. زمانی که پلیس را در جریان گذاشتیم سارق در حضور ماموران خودش را برادر همسر صاحب ملک معرفی کرد و اعتراف کرد که به شیشه معتاد است و برای تهیه هزینه موادش قصد سرقت از خانه خواهرش را داشت.

خبر

فوت یک نفر در پی واژگونی خودرو

نجفیان- مدیر مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی اسفراین از فوت یک نفر بر اثر واژگونی خودروی سواری خبر داد. به گفته «امین کشوری»، واژگونی سواری سمند در حد فاصل روستای راوخ به روستای عباس آباد رخ داد که بر اثر آن راننده ۳۴ ساله آن به دلیل شدت جراحات وارد شده در دم جان باخت.

۹۸۰۳۰۰۹۱/و

کارفرما : شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان شمالی

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۷/۴۳ (نوبت اول)

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان شمالی در نظر دارد جهت راهبری تاسیسات آب شرب روستایی شهرستان مانه و سملقان مناقصه شماره ۹۷/۴۳ را به شرح زیر از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت_(ستاد)خریداری نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت_(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . به پیشنهادات واصله ی خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد .

شماره تجدید مناقصه	عنوان	مبلغ برآورد به ریال	مدت اجرا	ساعت بازگشایی
۹۷/۴۳	راهبری تاسیسات آب شرب روستایی شهرستان مانه و سملقان	۴/۲۰۶/۶۰۴/۹۶۰	۱ سال	۱۰:۰۰

اطلاعات فنی مورد نیاز در اسناد مناقصه قابل دسترسی است.

۱. تاریخ انتشار آگهی مناقصه نوبت اول : ۹۸/۶/۲۴ نوبت دوم: ۹۸/۶/۲۵

۲. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه:۹۸/۶/۲۵ساعت ۱۳:۰۰

۳. مهلت دریافت اسناد از طریق سامانه : ۹۸/۶/۳۰ساعت ۱۸:۰۰

۴. مهلت ارائه پیشنهاد از طریق سامانه : ۹۸/۷/۱۳ ساعت ۱۴:۱۵

۵. بازگشایی پاکتها : ۹۸/۷/۱۴ساعت ۱۰:۰۰ صبح ستاد شرکت آبفار خراسان شمالی اتاق جلسات

تبصره : کلیه اسناد مناقصه و مدارک لازم را شامل پاکات الف ، ب، ج را به صورت فایل های pdf در سامانه بارگذاری همچنین پاکت مربوط به ضمانت نامه را به دبیرخانه شرکت به آدرس امیریه جنوبی کوچه خاور (۰۵۸۳۲۲۳۶۷۰۱) تحویل نمایند .

● کلیه اسناد در سایت این شرکت: www.abfarnkh.ir قابل ملاحظه می باشد .

اطلاعات تماس جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :۰۲۱۲۷۳۱۳۱۳۱ و اداره کل صنعت ، معدن و تجارت خراسان شمالی با شماره ۰۵۸۳۲۲۲۵۹۵۵ داخلی ۲۲۵ آقای مروتی

۵۹۶۷۷۷ / م الف روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان شمالی

۹۸۰۸۰۲۰۸/و